

روایت مدیرکل پیشین فرودگاه‌های استان کرمان از تجربه زلزله بم؛

# کمک‌ها به بم خوب مدیریت نشد

بخش زیادی از خدمات آن روزها تصویربرداری نشد

اولین هواپیمای کمک از سوئیس به همراه سگ‌های زنده‌یاب آمد

تجربه بم نشان داد فرودگاه‌های اقماری می‌تواند شهری را از بحران نجات دهد



من یک موبایل ثریا داشتم. تنها ارتباط بم با تهران از طریق این موبایل و مدیرعامل مخابرات و فرمانده سپاه بود و همه ارتباطات قطع شده بود.

آقای مرعشی با هلی‌کوپتر چهارم رسید. بیسیم تلفن را گرفت و به آقای کریمی استاندار کرمان زنگ زد و گفت: شرایط خیلی بحرانی است و سه مرتبه گفت: فقط نان و پتو. آن لحظه متوجه نمی‌شدم که این حساسیت برای چیست و فرادای آن روز متوجه شدم. به من هم گفتند که سریع به فرودگاه بروید. به سمت فرودگاه حرکت کردیم. خرابی‌ها خیلی وحشتناک و کشته‌ها خیلی زیاد بود. گفتیم سیستم روشنایی باند فعال شود. از کرمان هم بلافاصله تابلوی برق را ارسال کردند و مقدمات آمادگی فرودگاه را اعلام کردیم. ساعت ۳،۵ عصر سیستم روشنایی باند را به من دادند و وقتی این خبر را به من دادند، انگار خبر تولد بچم را شنیده‌ام چون هیچ جای شهر برق نداشت و این اولین روشنایی بعد از زلزله بود. بعد از مهیا شدن مقدمات اولیه، پرواز اول از تهران نشست. معاون وقت وزیر کشور و استاندار و مدیرعامل ارگ جدید آمدند. بلافاصله مجروحان را داخل هواپیما گذاشتیم. شاید بیش از چند صد مجروح روی سطح زمین فرودگاه بودند. از اولین پرواز، انتقال مجروحان را شروع کردیم. چند ساعت بعد، حاج‌قاسم و سردار کاظمی به فرودگاه بم آمدند. هر وسیله پرنده‌ای که می‌آمد مجروحان را اعزام می‌کردیم. تقریباً در ۲۴ ساعت اول حدود ۴۴۰ پرواز داشتیم. در واقع، هر سه دقیقه یک بار انجام می‌شد. برج مراقبت هم نداشتیم. مهندس محمدی معاون مراقبت پرواز در خودروی آتش‌نشانی نشست با واکی‌تاکی هواپیما را هدایت می‌کرد. من با تلفن ثریا به تهران و یا کرمان اطلاع می‌دادم که پرواز بیاید و ایشان پرواز را هدایت می‌کرد. برای اولین بار در کشور به دستور رئیس‌جمهور ۱۵ روز این اسکای به جز اسرائیل داشتیم. از آمریکا شاید ۶۰ فروند پرواز داشتیم. البته دیگر از جایی به بعد، آمریکایی‌ها آب معدنی می‌آوردند که جلوی آن را گرفتیم. برخی شخصیت‌ها از فرانسه و پادشاه اردن و ... آمدند. اولین هواپیمای کمک‌رسان از سوئیس به همراه سگ‌های زنده‌یاب آمد. در فضایی که فقط چهار هواپیما می‌توانست بیاید، در یک مورد ۱۹ فروند هواپیما و هلی‌کوپتر را

نمی‌شد. الان هم وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، ما نباید چیزی بفرستیم، باید اول مشخص شود که حادثه‌دیدگان به چیزی نیاز دارند؟

در کنار مدیریت کمک‌های مردمی، ثبت این وقایع هم بسیار مهم است. بخش زیادی از خدمات به تصویر کشیده نشد. دوربین و تصویربردار نبود، و فرصتی برای این کار نداشتیم. ضمن اینکه برخی تصمیمات هم باید لحظه‌ای گرفته می‌شد.

هر هواپیمای خارجی که به بم می‌آمد معضل سوخت‌گیری داشت که باید دریافت هزینه آن با دلار و ... صورت می‌گرفت. پیگیری کردیم که مشکل حل شد و سوخت رایگان گردید. البته برخی شرکت‌ها سوءاستفاده هم کردند. یکی، دو شرکت داخلی سوخت می‌گرفتند و به دبی می‌رفتند که وقتی متوجه شدیم، جلوی کار را گرفتیم یا یکی از کشورهای آسیای‌میانه بخاری چوب‌سوز را با هواپیمای ایلوشین آورده بود، همه به بیابان ریخته شد ولی سوخت رایگان را می‌گرفت. از طرفی، برخی کشورهای اروپایی‌ها آب شیرین کن آوردند که خیلی مفید بود یا ژاپنی‌ها کمک خاصی نیاوردند؛ فقط گفتند قنوات را چطور بازسازی کنیم. آمریکایی‌ها گروه ۸۰ نفره درمانی بودند و برخی هم آشپزخانه‌ای راه انداختند و چون جنبه تبلیغاتی داشت، بعد از چند روز جمع شد و فعالیت‌های دیگری شروع کردند و کار درمانی آن‌ها زیاد طول نکشید. با مشکلات زیادی که در فرودگاه اقماری بود داشتیم، شبانه‌روز فعال نگه داشتن شد تا کمک‌رسانی به‌موقع به مردم انجام شود.

یک شب گفتند چهار لودر از ارومیه و شیراز و تبریز و مشهد باید بیاید. چهار هواپیما با هم حرکت کردند و روی آسمان بم ترافیک داشتیم و روی زمین هواپیماها جا نداشت.

برخی مخالف فرودگاه‌های اقماری هستند اما تجربه بم نشان می‌دهد که اگر فرودگاه اقماری داشته باشیم و ۵۰ سال هم هیچ خدماتی ندهد، می‌تواند یک شهر را از بحران نجات دهد.

وی در پایان تاکید کرد: سرمایه‌گذاری شود و فیلم و سریالی درباره آنچه در جریان زلزله بم رخ داد ساخته شود، علاوه بر ثبت خدماتی که ارائه شده، تجربه‌اش برای مردم ارزشمند است و می‌توانند از این طریق آموزش ببینند.

گروه جامعه: همزمان با نوزدهمین سالگرد زلزله بم، مدیرکل وقت فرودگاه‌های استان کرمان از آنچه که در ۵ دی‌ماه ۸۲ تجربه کرده بود، گفت.

محسن اسماعیلی گفت که آن روز صبح در کرمان بوده و در حالی که نمی‌دانستند در کدام منطقه حادثه رخ داده، حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه پس از وقوع زلزله، برج مراقبت فرودگاه اعلام می‌کند که سایت رادار در جبالبارز جیرفت اطلاع داده که روی شهر بم گردوغبار خیلی زیادی است تا جایی که ارتباط با جیرفت را قطع کرده و در بم هم هیچ ارتباطی نداریم. براین اساس متوجه شدیم که حادثه‌ای در بم رخ داده است.

او سپس با توضیح درباره اینکه چطور خود را با هلی‌کوپتر ارتش به بم رسانده است، اظهار کرد: «قبل از بم روستایی به نام قلعه‌عسکر وجود دارد. خرابی‌های زلزله را از آنجا دیدم. به شهر بم که رسیدیم، جنازه‌های زیادی بود که پارچه روی آن کشیده شده بود. دست‌های مردم رو به آسمان بود و درخواست می‌کردند هلی‌کوپتر بنشیند و به آن‌ها کمک کند.»

متن کامل اظهارات اسماعیلی را در ادامه بخوانید.

به گزارش خبرنگار استقامت، وی این اظهارات را عصر دوشنبه ۵ دی‌ماه در وبینار «بازخوانی مدیریت بحران زلزله سال ۱۳۸۲ بم» مطرح کرد.

«در ۱۲ ثانیه‌ای که صبح پنجم دی‌ماه زمین لرزید من کرمان بودم و نمی‌دانستیم کجا بوده است. بعد از نیم ساعت تا ۴۵ دقیقه برج مراقبت اعلام کرد که سایت رادار در جبالبارز جیرفت اطلاع داده که روی شهر بم گردوغبار خیلی زیادی است تا جایی که ارتباط با جیرفت را قطع کرده است. متوجه شدیم که حادثه‌ای در بم رخ داده است. بعد هم یکی از کنترلرهای غیربومی ما در پروات بود، به سمت فرودگاه رفت. شیشه‌های برج مراقبت شکسته و امکانات از بین رفته بودند، او بیسیم برج مراقبت را برداشته و با باتری ماشین شارژ کرده و به سایت رادار اطلاع می‌دهد که سقف فرودگاه پایین ریخته و زلزله وحشتناک بوده و خود را به بم برسانید. بعد از این، به آقای مرعشی گوشی زنگ زد. گفتیم حادثه در بم بوده است. گفت که اگر می‌توانی با هلی‌کوپتر خود را به آنجا برسان. با فرمانده هوانیروز آقای امیرعابدینی تماس گرفتیم. چهار هلی‌کوپتر مهیا شد و با تجهیزات موقت و خیلی سریع با هلی‌کوپتر عازم بم شدیم. فکر نمی‌کردیم حادثه این‌قدر گسترده باشد. در شهر جنازه‌ها روی زمین چیده شده بود. روی شهر گشتی زدیم، به فرودگاه رفتیم و روی باند رفت و برگشتی انجام دادیم که خیلی آسیب ندیده بود. بعد از بررسی فرودگاه، به شهر برگشتیم و در زمین چمن پادگان سپاه نشستیم. تا هلی‌کوپتر نشست مجروحان را آوردند. سه مجروح بیش‌تر جا نشد. مردم بیرون پادگان منتظر بودند تا مجروحان را منتقل کنند. روی بلندی ایستادم و گفتم هرکسی مجروح دارد، فقط به فرودگاه برود چون با سه، چهار هلی‌کوپتر که نمی‌شد مجروح جابه‌جا کنیم.

یادداشت

## هنرمندی که با رفتن‌اش ظهور کرد

محمد لطیف کار

وقتی شهر بم فرو ریخت، به جز ده‌ها هزار انسانی که قربانی شدند، سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی زیادی را هم در خاک شد. دو اثر اما از خاک برخاستند و به مردم دل‌داری و امید دادند. اول ارگ تاریخی بم بود که پس از زلزله دل‌بستگی مردم به این بنای تاریخی صدها برابر شد و حالا نام ارگ بم در همه جای دنیا شناخته می‌شود.

اثر دوم صدای روح‌نواز شادروان ایرج بسطامی است، که خاموش نشد، و بلکه هر روز ابعاد تازه‌تری یافت. شگفتا که بسطامی با این سفر ابدی به اوج شهرت هم رسید. انگار که بیشتر در خاک بود، و با زلزله سر از خاک برآورد! بسطامی اما خود به خوبی از این هنرش آگاه بود. او در بهمن‌ماه سال هفتاد و هفت در مصاحبه با «همشهری» می‌گوید: «اوایل انقلاب از بم به تهران آمدم. در تهرانپارس که منزل استاد شجریان بود خدمت ایشان رسیدم. پس از تعارفات معمول استاد فرمودند: با این کوک می‌توانی آواز بخوانی؟ من پس از شنیدن صدای ساز که از دور به گوش می‌رسید عرض کردم بلی، و این‌گونه شروع به تحریر در دستگاه شور کردم: «ما آن شقایقیم که با داغ سینه‌سوز / جامی گرفته‌ایم و به نوا نشسته‌ایم». بسطامی در ادامه می‌گوید: «استاد شجریان بلافاصله ضمن اظهار خوشحالی با عطوفت و مهربانی گفتند: باید بگوییم که خواننده دیگری به‌زودی در تاریخ موسیقی آوازی ما ظهور خواهد کرد و من آن لحظه را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم». پرویز مشکاتیان هم درباره این خواننده بمی نقل معروفی دارد، که شنیدنی و غرورآفرین است. او می‌گوید: «مانی که ایرج «وطن من» را خواند، اشک مرا درآورد. از آن زیباتر نمی‌شد این اثر را خواند. به خاطر این‌که تا از ایران صحبت می‌شد اشکش در می‌آمد. او ایران ای وطن من را حس می‌کرد که یعنی چه؟ برای همین با آن شکوه و عظمت و البته توانایی اجرایش توانست کار را اجرا کند. من افتخار می‌کنم و یا تنها افتخارم این است که این اثر از طرف سازمان ملی یونسکو به عنوان سرودی رسمی انتخاب شد. من به یونسکو کاری ندارم، ولی به ایرج، ملکشعرا و ایران خیلی کار دارم». به نظر همین دو زاویه دید استاد شجریان و استاد مشکاتیان کافی است که به اهمیت مردی و صدایی بیندیشیم که در فاجعه بم از دست رفت ... روحش شاد و یاد همه قربانیان زلزله گرامی باد.

خبر

## اعلام پایان بازسازی بم زودهنگام بود

گروه جامعه: عضو کمیسیون عمرانی شورای شهر بم با اشاره به اینکه شهر بم با همت بلند مردان و زنان صبور این شهر ساخته شد و امروز شاهد شهری مستحکم هستیم، گفت: «اعلام پایان بازسازی شهر بم زودهنگام بود در حالی که برای بازسازی و تکمیل شهرسازی، مبلمان شهری و اسفالت معابر، هیچ اقدامی صورت نگرفته بود». سمانه سام‌زاد ادامه داد: «تنها منبع تأمین مالی انجام پروژه‌های عمرانی ازجمله اسفالت معابر، ساخت پارک‌ها، پیاده‌روسازی‌ها و ... از محل درآمدهای شهرداری بود که اصلاً آن حجم از عملیات عمرانی با برنامه‌ریزی‌های شهرداری سخت کرده بود و از طرفی هم شهروندان از وضعیت نابسامان معابر محل زندگیشان خسته شده‌اند». وی افزود: «یکی از دلایلی که اسفالت بخش زیادی از بودجه عمرانی را به اسفالت تخصیص داده‌ایم با این نگاه بود تا به جای اینکه پروژه‌های متفاوت را شروع کنیم، بتوانیم کیفیت کار را بالا ببریم و ان‌شاءالله تا سال آینده عمده معابر و کوچه‌های شهر اسفالت شوند». به گزارش ایسنا کرمان، علی جزینی عضو دیگر شورای شهر بم نیز با اشاره به مشکلات روحی و روانی پس از زلزله بم بیان کرد: «با گذشت ۱۹ سال از وقوع زلزله هنوز تحقیق و پژوهشی کلی در خصوص وضعیت روحی و روانی مردم این شهر انجام نشده و هنوز مردم این دیار غم را به دوش می‌کشند». وی ضمن انتقاد از فقدان برنامه‌های اوقات فراغت خانواده‌ها، نوجوانان و جوانان گفت: «متأسفانه کارهای اندکی انجام شده و امیدواریم با همکاری بخش خصوصی یکسری مکان‌های تفریحی ایجاد شود».